

A Quarterly for Shi'ite Studies
Vol. 12 / No.2
Summer 2014

فصلنامه علمی - پژوهشی شیعه‌شناسی
صفحات ۱۸۱ تا ۲۰۴
سال دوازدهم / شماره ۴۶ / تابستان ۱۳۹۳

ارزیابی ماهیت سیاسی - فکری جنبش شهید فخر در مقایسه با قیام کربلا

مسلم طاهری کلکشنندی / کارشناس ارشد رشته شیعه‌شناسی
محمد رضا بارانی / استادیار و عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه الزهرا علیه السلام

چکیده

تحلیل موضع گیری امامان شیعه علیهم السلام در مقابل عملکرد اجتماعی سیاسی افراد و گروه‌های هم دوره خود، می‌تواند زمینه‌ساز ترسیم الگویی مشخص برای پیروی شیعیان از این بزرگواران در هر عصر باشد. در دوره امامان علیهم السلام قیام‌های متعددی صورت گرفت که یکی از آنها قیام شهید فخر (۱۶۹ق) بوده است. تحلیل و بررسی ماهیت این قیام هدف این مقاله است. در آغاز به بیان مقدمه‌ای کوتاه درباره چگونگی قیام و عوامل وقوع آن پرداخته می‌شود؛ سپس به بررسی ماهیت سیاسی فکری قیام، مناسب با اهداف مطرح شده از سوی رهبر قیام، و در پایان به اعتبارسنجی قیام با معیار قیام امام حسین علیه السلام در کربلا توجه خواهد شد. نتیجه این پژوهش، دستیابی به رهیافتی است که ضمن تأکید بر ماهیت سیاسی - فکری قیام فخر، اعتبار آن را در مقایسه با خطمشی جهادی که پیشوایان بزرگ شیعه علیهم السلام در عصر خود انتخاب نموده‌اند، به ویژه امام موسی کاظم علیه السلام که هم‌عصر با این رخداد بوده است، می‌سنجد. وجود نمودهای مشابه یا متفاوت در این قیام با نهضت امام حسین علیه السلام به عنوان یک قیام معتبر و اصیل شیعی، بررسی نقادانه ماهیت سیاسی - فکری این قیام را ضروری می‌نماید.

کلیدواژه‌ها: قیام، شهید فخر، حسینیان، عباسیان، قیام عاشورا، امام حسین علیه السلام.

مقدمه

پس از صلح امام حسن علیه السلام و قیام امام حسین علیه السلام، جامعه شیعی با توجه به سلیقه‌های موجود در آن، شاهد بروز مشی‌های متفاوتی بوده است. امام باقر علیه السلام در روایتی ظریف، تشتت آرا و تفاوت موضع گیری‌های شیعیان (به معنای اعم) را در مقابل پیشوایانشان - که همان ائمه علیهم السلام باشند - به تصویر می‌کشند. ایشان می‌فرمایند: به خدا قسم، کاری که حسن بن علی علیهم السلام انجام داد، از آنچه خورشید بر آن می‌تابد، برای این مردم بهتر بود... آنها [از امام حسن علیه السلام، اعلام] جهاد را خواستند، ولی هنگامی که جهاد به همراه حسین علیه السلام بر آنها واجب شد، گفتند: پروردگار!! چرا بر ما جهاد واجب کردی؟ ای کاش تا فرصتی نزدیک آن را به تأخیر می‌انداختی...» (کلینی، ج ۸، ۱۴۱۳ق، ص ۳۳). در این روایت، تطبیقی واضح بین طیف‌های مختلف از پیروان ائمه اطهار علیهم السلام را در میزان ولایت‌مداری و پیروی‌شان از امام عصر خود می‌بینیم؛ تطبیق کسانی که برای دست کشیدن از جنگ، به امام حسن علیه السلام اعتراض می‌کردند، بر کسانی که در آیه (أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قَيْلَ لَهُمْ كُفُوا أَيْدِيهِمْ وَأَقْيَمُوا الصَّلَاةَ وَآثُوا الزَّكَاةَ) (نساء: ۷۷) سرزنش شده‌اند؛ و تطبیق کسانی که هنگام وجوب جهاد، پس کشیدند، بر کسانی که در فراز دیگر همان آیه (فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرَيقٌ مِّنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَحْشِيَّةَ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ حَشِيَّةً وَقَالُوا رَبَّنَا لَمْ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ لَوْلَا أَخْرَجْتَنَا إِلَى أَجَلِ قَرِيبٍ) سرزنش می‌شوند.

ابتکار عمل در قیام‌های شیعی دوره بنی‌امیه به دست شاخه حسینی علویان، یعنی زید (م ۱۲۲ق) و فرزندش یحیی (م ۱۲۶ق) بود؛ اما قیام‌های سیاسی - نظامی شیعی در دوره عباسیان، به شاخه حسینی علویان منتقل شد. حسینیان در برابر حکومت دو موضع متفاوت گرفتند. بیشتر آنان به همراه عبدالله بن حسن علیه السلام و فرزندانش در برابر عباسیان قرار گرفتند. آنان بیشتر تحت تأثیر شعار زید بن علی علیه السلام مشروعیت حکومت را فقط از آن فرزندان فاطمه علیهم السلام می‌دانستند که طبیعتاً منحصر در نسل امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام می‌شد. (صفری فروشانی، ۱۳۸۸، ص ۶۱). عده

ارزیابی ماهیت سیاسی - فکری جنیش شهید فخ در مقایسه با قیام کربلا ۱۸۳

کمی نیز، از جمله حسن بن زید بن حسن علیهم السلام و جعفر بن حسن بن حسن علیهم السلام برخلاف جریان حسینیان، با عباسیان همراه شدند (کاتب واقدی، [بی‌تا]، ج ۴، ص ۷ نیز ر.ک: ابن عساکر، ۱۴۱۹ق، ج ۲۷، ص ۳۶۸). حسینیان متأثر از آموزه‌های زیدیه، امر به معروف و نهی از منکر را در هر شرایطی واجب می‌دانستند. از سوی دیگر، به آموزهٔ تقیه چندان اعتقاد نداشتند (آموزه‌ای که امامان شیعه سخت بدان معتقد و امامیه در تلاش برای پایبندی به آن بوده‌اند)، از این رو، به‌محض به دست آوردن کوچک‌ترین موقعیتی، در برابر حکومت عباسی قیام می‌کردند (اصفهانی، ۱۳۴۹، ص ۶۳-۸۱ به نقل از: صفری فروشانی، ۱۳۸۸، ص ۶۲). فراگیر شدن این نظریه موجب از بین رفتان انسجام شیعیان حول ائمهٔ معصومین و چندستگی میان اقلیت شیعه در طول تاریخ آن شده است. از جمله حسینیانی که بر ضد خلافت عباسی در دوره دوم تاریخ اسلامی قیام کردند، حسین بن علی بن حسن (مثلث) بن حسن (مثنی) بن حسن بن علی بن ابی طالب علیهم السلام معروف به صاحب فخر، نبیره امام حسن مجتبی علیهم السلام و امام آن زمان زیدیان (طبری، ۱۴۰۳ق، ج ۶، ص ۴۱)، در عصر موسی‌الهادی، خلیفة عباسی بود. وی به سبب اهانت و شدت گرفتن ستم والی مدینه، عمر بن عبدالعزیز بن عبدالله بن عمر بن خطاب، بر آل علی علیهم السلام، در مدینه بر ضد خلافت عباسی قیام کرد و در ابتدا موقیت‌هایی به دست آورد؛ اما سرانجام شکست خورد و در هشتم ذی‌الحجه ۱۶۹ق (ژوئن ۷۸۶)، پای کوه البارود در «فح»،^۱ موضعی در نزدیکی مکه، همراه با یارانش شهید شد (Veccia Vaglieri, p.1986). یحیی و برادرش ادریس، فرزندان عبدالله، از این قیام جان سالم به در برdenد. یحیی به یمن رفت و برای مدتی در آنجا اقامت گزید؛ سپس روانهٔ ری و خراسان شد و دعوت خود را آشکار کرد. پس از مدتی با هارون‌الرشید صلح کرد و از او امان‌نامه گرفت. سرانجام، هارون با ادعای خدشه‌دار بودن متن امان‌نامه، آن را باطل اعلام کرد و در سال ۱۸۴هـ/۱۹۳ج، ۵ص/۲۵ج، ۱۹۷۹م، ۳ج، ۲۱۵ص/اصفهانی، ۱۳۴۹ق، ج ۸، ص ۱۹۲ و ۱۹۳ج، ۵ص/۲۵ج، ۱۳۷۷ق، ج ۳، ۳۳ص/مسعودی، ۹۰ص/ابن اثیر، ۱۳۸۰ج، ۶ص).

۱. محلی بین مکه و مدینه، که هم‌اکنون در بافت شهری مکهٔ معظمه، در مجاورت خیابان شهدا قرار گرفته است.

۱. روش‌شناسی تحقیق

روش‌شناسی مطالعه یا استراتژی تحقیق، به چگونگی برنامه‌ریزی و اجرای تحقیق مربوط می‌شود. این امر به معنای انتخاب روش مناسب تحقیق و یافتن نحوه به کار بردن آن در حوزه مورد مطالعه است (گیدنز، ۱۳۸۷، ص ۷۱۶). دستیابی به ماهیت سیاسی - فکری قیام فخ در این پژوهش، به دو روش صورت گرفته است:

۱-۱. مطالعه اسنادی

پژوهش اسنادی (Documentary Study)، در واقع یکی از فراگیرترین روش‌هایی است که به شکل‌های گوناگون در گردآوری داده‌ها استفاده می‌شود (همان، ص ۷۳۳). اسنادی که در تحقیق استفاده می‌شوند، عملاً همیشه شامل اطلاعات و نتایجی است که نویسنده‌گان قبلی در حوزه مورد بحث فراهم کرده‌اند. در بسیاری از تحقیقات، به همان اندازه که به تهیه داده‌های کاملاً جدید توجه می‌شود، به گردآوری و تحلیل اطلاعات از کارهای دیگران نیز ابراز علاقه می‌شود (همان).

بنابراین در این پژوهش، به مهم‌ترین منابع تاریخی، اعم از متن نامه‌ها، سخنرانی‌ها و...، یا منابع پژوهشی موجود مانند کتب، تحقیقات، پژوهش‌های تحلیلی و پایگاه‌های اطلاع‌رسانی، و نیز دایرةالمعارف‌های اسلامی، رجوع شده است. همچنین به مطالعه کتب تحلیلی از زندگانی ائمه معصومین علیهم السلام، بهویژه امام موسی کاظم علیه السلام و مقالات متنوع گزارشی-تحلیلی پرداخته شده و همان‌گونه که ذکر شد، رجوع به مخزن اصلی قیام‌ها و نهضت‌های شیعی در تاریخ اسلام، نقش اساسی را ایفا کرده است.

۱-۲. مطالعه تطبیقی

ساختن الگوی از مطالعه، بر مبنای یک اصل موضوعی یا مفهوم کلی، که به عنوان پیش‌فرض تفسیر پدیده موضوع تحقیق انتخاب شده است، آغاز می‌شود (کیوی، ۱۳۸۵، ص ۱۵۰). این الگو، با استدلال منطقی، فرضیه‌ها، مفاهیم و شاخص‌هایی را می‌سازد که داده‌های مشاهده شده باید آنها را تأیید کنند (همان).

ارزیابی ماهیت سیاسی - فکری جنیش شهید فخ در مقایسه با قیام کربلا ۱۸۵

در پژوهش‌های تاریخی، داده‌های موجود بی‌حدود حصرند (بی، ۱۳۸۷، ص ۶۸۴). در ابتدای یک پژوهش تاریخی، این نکته را باید به یاد داشته باشیم که مورخان ممکن است آنچه را که شما می‌خواهید بررسی کنید، گزارش کرده باشند. بنابراین تحلیل آنان می‌تواند زمینه اولیه را به شما عرضه کند و سکوی پرش برای تحقیقی عمیق‌تر باشد (همان). سرانجام برای دستیابی به نتیجه‌ای فراتر از نتیجه‌گیری‌های دیگران، و بررسی برخی از «داده‌های خام» و ارائه نتیجه‌نو، ضروری است که از روش مطالعهٔ تطبیقی - تاریخی استفاده شود (همان، ص ۶۸۵).

در روند پژوهش‌های تاریخی، نمی‌توان به دقیق بودن برخی مدارک، اعم از رسمی و غیررسمی، و دست اول و دست دوم، اعتماد کرد. آنچه پژوهشگر را از خطأ دور می‌دارد، تکرار است. در پژوهش تاریخی، «تأیید» (Corroboration) از اهمیت شایان توجهی برخوردار است؛ یعنی هرگاه چند منبع به‌طور یکسان به مجموعه‌ای از «واقعیت‌ها» اشاره کنند، اعتماد شما به‌طور قابل ملاحظه‌ای به آنها بیشتر می‌شود (همان، ص ۶۸۶).

در پژوهش حاضر، پیش‌فرض تفسیری از قیام فخ، وجود الگوی کربلای حسینی علیه السلام است. در این الگو، داده‌های موجود درباره حادثه فخ که در چند منبع قابل اعتماد آمده باشد، گردآوری شده و سپس مورد آزمایش و اعتبارسنجی قرار گرفته است. از این‌رو، ماهیت سیاسی - اجتماعی قیام فخ، بر اساس ماهیت سیاسی - اجتماعی قیام کربلا به رهبری امام معصوم علیه السلام و چگونگی تعامل رهبر این قیام با امام عصر علیه السلام خود ارزیابی خواهد شد.

۲. مفهوم‌شناسی

در آغاز مناسب است برخی واژگان مورد توجه قرار گیرد تا بر اساس تعریف و تبیینی که از آنها وجود دارد، فرایند بحث پیگیری شود و از برداشت‌های متفاوت در خوانش تحقیق پرهیز گردد.

۱-۲. ماهیت سیاسی

ماهیت به معنای حقیقت چیزی مستعمل است (دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۲۰۰۶۱). ماهیت یک جنبش، به اندیشه و تفکر حاکم بر آن بسیار ارتباط دارد؛ به ویژه اگر آن جنبش جایگاه سیاسی و دینی داشته باشد. جنبش شهید فخر، جایگاه سیاسی و دینی مهمی داشت و زمینهٔ یک تحول را فراهم ساخت. بنابراین، در بررسی ماهیت سیاسی این نهضت، از دو محور مهم در چهارچوب شرایط سیاسی اجتماعی حسین بن علی، صاحب فخر، سخن خواهد رفت؛ اما پیش از ورود به این بحث، مبنای زیدیه در باب امامت مطرح خواهد شد تا زوایای پنهان تحلیل رویدادهای این قیام و دیگر قیام‌های حسنی را روشن کند.

مذهب زیدیه بر وجوب عقلی امامت، به مثابه فرعی از فروع دین استدلال می‌کند. به نظر پیروان زید بن علی علیهم السلام، امامت، ریاست عامه، و از واجب‌ترین و مهم‌ترین واجبات است و به دو شیوه تحقق می‌یابد: نخست از طریق «تعیین» که جز در اهل‌بیت علیهم السلام امکان ندارد؛ دوم از راه «ترشیح»، و معنای ترشیح آن است که مردم یکی از آل‌البیت (فرزندان امام حسن و حسین علیهم السلام) را که واجد بیشترین شروط امامت است و دیگران را به اطاعت خدا دعوت می‌کند، به امامت برگزینند.

زیدیه معتقد به امامت علی بن ابی طالب علیهم السلام هستند، اما امامت او را نه از طریق نص و تصریح پیامبر علیه السلام به اسم و شخص، بلکه از آن روی مشروع و مسلم می‌دانند که هم بیشترین شرایط امامت را داشت و هم مدعی این مقام بود و مردم را به امامت خویش فراخواند.

زیدیه به عصمت امامان و اندیشهٔ تقیه، آن‌گونه که در شیعهٔ دوازده‌امامی مطرح است، معتقد نیستند و برخی از آنها بر درستی خلافت ابوبکر و عمر ایمان دارند. شیعهٔ زیدی، شجاعت و قیام را شرط اساسی امام می‌داند و چنین می‌اندیشد: کسی که در خانه نشسته، صورت خود را می‌پوشاند و از جهاد پرهیز می‌کند، شایسته

ارزیابی ماهیت سیاسی - فکری جنبش شهید فخر در مقایسه با قیام کربلا ۱۸۷

امامت نیست؛ بلکه امام همان کسی از آل‌البیت است که قیام می‌کند و مردمان را به کتاب خدا و سنت پیامبر ﷺ فرا می‌خواند و در این راه به شهادت می‌رسد و کس دیگری به جای او قیام می‌کند؛ زنجیره این امامان مجاهد تا پایان دنیا تداوم خواهد داشت (الزین، ۱۹۸۵م/۱۴۰۵ق، ص ۱۷۷-۱۷۸ و ص ۱۸۱).

بر اساس گزارش‌های به جای مانده، حسین بن علی معروف به شهید فخر، مردم را این گونه به بیعت با خود فرامی‌خواند: «ادعوکم الی الرضا من آل محمد و علی أن نعمل فيكم بكتاب الله و سنة نبيه والعدل في الرعية، والقسم بالسوية» (اصفهانی، ۱۳۴۹ق، ص ۳۷۸). او در این دعوت، بر دو نکته تأکید کرده است: نخست اینکه در صورت پیروزی، حکومت را به اهل‌بیت می‌سپرد؛ دوم اینکه عدالت‌گرایی را - که با مفهوم «تقسم بالسویه» عنوان می‌شد - به عنوان شعار خود مطرح کرده است (جعفریان، ۱۳۸۱، ص ۲۵۰). بر این اساس می‌توان ماهیت جنبش شهید فخر را ماهیتی دینی، سیاسی و اجتماعی دانست که در صدد واگذاری حکومت به افراد شایسته و برق و مورد رضایت رسول خدا ﷺ و خاندان او و نیز اجرای عدالت برای رفاه و آسایش مردم است.

۲-۲. جنبش و قیام

جنبش واژه‌ای است فارسی و اسم مصدر فعل «جنبیدن» و به معنای حرکت و در مقابل آرام و سکون است (دهخدا، ۱۳۷۷، واژه «جنبش»). در دایرة المعارف دموکراسی، جنبش این گونه تعریف شده است: به آن دسته از اقدام‌های جمعی گفته می‌شود که تشکیلات منظم و کاملی ندارند و گروه‌های بدون نماینده یا کسانی که مدعی نمایندگی این گروه‌هایند، به ارتباط مداوم با نخبگان، مقامات یا دیگر گروه‌ها مبادرت می‌کنند (لیپیست، ۱۳۸۳، ص ۵۴۷). رهبران جنبش‌های تاریخی نیز مثل فعالان جنبش‌های سیاسی جدید، دست به اقدام جمعی هماهنگ بر ضد مخالفان می‌زدند (همان). اقدام جمعی، ویژگی جامعه بشری است و قدمت آن به زمان بروز تضادهای اجتماعی، یا در واقع همان زمانی می‌رسد که می‌توان گفت جامعه بشری پیدا شده

است (همان، ص ۵۴۹). البته این گونه اقدام‌ها معمولاً خواست‌های مردم عادی را مستقیماً در محل بیان می‌کردن؛ پاسخی محدود به اعتراض‌های فوری می‌دادند؛ به مقابله با مخالفان بر می‌خاستند؛ و تقریباً هیچ‌گاه در پی متحدى در میان دیگر گروه‌ها یا نخبگان سیاسی نبودند (همان).

حاصل این وضع، وقوع طغیان‌های پیاپی بود که به ندرت متشکل و سازمان یافته، و معمولاً کوتاه و گذرا بودند و دوره‌های انفعال و رخوت در پی داشتند. این طغیان‌ها موجب شکل‌گیری اقدامات جمعی حاد شدند؛ اما جنبش اجتماعی سراسری نبودند (همان). جنبش اجتماعی را می‌توان کوشش دست جمعی برای پیشبرد منافع مشترک، یا تأمین هدفی مشترک از طریق عمل جمعی خارج از حوزه نهادهای رسمی تعریف کرد. از آنجا که میان انواع گوناگون جنبش‌ها تفاوت وجود دارد، این تعریف باید کلی باشد (گیدنز، ۱۳۸۷، ص ۶۷۹). انواع جنبش‌ها را از دیدگاه آنتونی گیدنز می‌توان این گونه تقسیم‌بندی کرد: جنبش‌های دگرگون‌ساز؛ جنبش‌های اصلاح‌طلب؛ جنبش‌های تغییر‌دهنده؛ و نهایتاً جنبش‌های رستگاری‌بخش. می‌توان مدعی شد که جنبش و حرکت شهید فخ، از نوع «جنبش رستگاری‌بخش» بوده است. گیدنز در تعریف این قسم از جنبش‌ها می‌گوید: جنبش‌های رستگاری‌بخش در صدد نجات افراد از آن شیوه زندگی‌اند که فاسد کننده پنداشته می‌شود (همان، ص ۶۸۱). جنبش در اصطلاح، به معنای حرکت و «نهضت»، و معادل لاتین آن «Movement» است. اصطلاح «جنبش» عمدتاً در علوم سیاسی استفاده شده است. صاحب‌نظران معاصر برای حرکت‌های سیاسی حسینیان، اصطلاح «ثوره» را به کار برده‌اند. (الهی‌زاده، ۱۳۸۵، ص ۴۶). در این پژوهش، «قیام» به معنای ایستادگی چند نفر یا جمعی از افراد برای احراق حق در نظر گرفته شده، که بیشتر بر ضد حکومت و قوانین حاکمه است. اصولاً از یک نگاه، دو نوع قیام قابل تصور است: نخست قیامی که تعداد حاضران در آن، واقعاً انگشت‌شمار بوده و سرانجامی ترازیک داشته‌اند. این دسته، قیام‌هایی را شامل می‌شود که برای دوره‌های بعد، حالت اسوه و الگو به خود می‌گیرند. برای نمونه در تاریخ ایران، قیام کاوه آهنگر چنین حالتی پیدا کرده است. این تصویری است که فردوسی از آن برای ما ارائه کرده است و قاعداً باید تا روزگار وی همچنان در

ارزیابی ماهیت سیاسی - فکری جنیش شهید فخ در مقایسه با قیام کربلا ۱۸۹

ازدهان پابرجا بوده باشد. در ادبیات اسلامی، به ویژه ادبیات شیعی نیز قیام امام حسین علیه السلام حالت نوعی الگو و اسوه یافته است؛ یعنی از حالت یک واقعه در یک زمان درآمده، تعمیم یافته و نوعی بی‌زمانی یا فرازمانی در آن لحاظ شده است. نوع دیگر قیام، قیامی است که با توجه به اهداف خود در یک مقطع تاریخی انجام می‌گیرد و پرونده‌اش همان‌جا بسته می‌شود؛ چه موفق باشد، چه ناموفق. (جعفریان، ۱۳۸۱، ص ۲۴۸) از این‌رو پژوهش درباره این نوع قیام‌ها، در قالب پژوهش‌های تاریخی قرار خواهد گرفت. در این پژوهش، قیام امام حسین علیه السلام به عنوان الگو، سنجه و سنگ محکی برای ارزیابی قیام شهید فخ استفاده شده است.

۳-۳. شهید فخ

فخ، محلی است در شش کیلومتری جنوب مکه (حموی، [بی‌تا]، ج ۴، ص ۲۳۷). امروزه آن را خیابان شهدا می‌نامند. حسین بن علی بن حسن بن حسن بن علی بن ابی طالب، رهبر قیامی بود که در این منطقه با حکومت عباسی جنگید. مادر او زینب، دختر عبدالله بن حسن بود و پدر و مادرش را به دلیل عبادات مستمر و طولانی‌شان «زوج صالح» می‌نامیدند (اصفهانی، ۱۳۴۹، ص ۴۳۱). حسین در حدود سال ۱۲۸ق متولد شد (حسنی، ۱۴۲۳، ص ۴۶۳). دوران زندگی او با دوره امام کاظم علیه السلام و دوران خلافت عباسیان همراه بوده است و قیام او در اوایل خلافت هادی عباسی اتفاق افتاد. (طبری، ۱۳۷۵، ج ۸، ص ۱۸۷ و ۲۱۳ / مسعودی، ۱۳۷۷ق، ج ۳، ص ۳۳۵ / مقدسی، ۱۹۲۶م، ص ۹۹).

۴-۳. حسینیان

در برابر امویان چند گروه قرار داشتند که حسینیان، حسینیان و عباسیان از مهم‌ترین آنان بودند. حسینیان فرزندان و نوادگان امام حسین علیه السلام بودند که فرقه امامیه به امامت فرزندان او باور داشتند؛ هر چند برخی از نوادگان ایشان نیز ادعای رهبری داشتند و قیام کردند. عباسیان، فرزندان عبدالله بن عباس بودند که پس از رسیدن به قدرت، بیش از پنج قرن بر قسمت اعظم دنیا اسلام فرمانروایی کردند و به نظر

برخی، خلافت آنان به دو دوره تقسیم شده است: دوره اول (۱۳۲-۳۳۴ق) و دوره دوم (۳۳۴-۵۶ع) (Lewis, 1989, p.17) گرچه نظر درست آن است که به پنج دوره تقسیم می‌شود. آنان در آغاز، در برابر حکومت امویان قرار گرفته بودند و پس از به قدرت رسیدن، جنبش‌هایی از سوی فرزندان و نوادگان امام حسن علیهم السلام که به حسینیان مشهور شدند، در برابر آنان پدید آمد.

اصطلاح «حسینیان» به لحاظ تاریخی، به فرزندان امام حسن علیهم السلام، برای بازشناسی از فرزندان امام حسین علیهم السلام (حسینیان) اطلاق می‌شود (Deverdun, Vol.3, 1979, p.256). نسب حسینیان، به زیدبن حسن علیهم السلام برمی‌گردد. از لحاظ تاریخی، این اصطلاح بیشتر برای فرزندان حسن بن حسن علیهم السلام کاربرد داشته است؛ زیرا ایشان در حوداث و رویدادهای تاریخی و سیاسی سده‌های نخستین اسلامی، صاحب نقش بودند و موفق شدند حکومت‌هایی در مغرب و یمن تأسیس و مبانی عقاید فرقهٔ زیدیه را تدوین کنند. این اصطلاح تازه‌ای نیست که معاصران ابداع کرده باشند؛ بلکه در همان زمان، یعنی قرن دوم هجری، دربارهٔ قیام کنندگان حسنه به کار می‌رفت (الهیزاده، ۱۳۸۹، ص ۴۷). در برخی پژوهش‌ها، مدارک تاریخی برای وجود اصطلاح «بنی‌الحسن» یا حسینیان گردآوری شده است که چند مورد ذکر می‌شود:

عبدالله بن مصعب زیری (از بیعت کنندگان با نفس زکیه) خطاب به او ایاتی گفت؛
از جمله این بیت:

قوموا ببیعتکم ننهض بطاعتنا
ان الخلافة فيكم يا بنى حسن
(اصفهانی، ۱۳۴۹ق، ص ۴۷۷)

غالب بن عبدالله عثمانی نیز در یکی از مراثی خود برای نفس زکیه و ابراهیم، اصطلاح «بنی‌الحسن» را به کار برده است:

امست بلاقع من بنى
الحسن بن فاطمه الارشد
(همان، ص ۳۸۵)

در مرثیه‌ای دیگر از شاعری نامعلوم برای حسین بن علی (شهید فخ) نیز این اصطلاح آمده است:

يا عين بكى بدمع منك منهمر
فقد رأيت الذى لاقى بنو حسن
(حموى، [بى تا]، ص ۴۸۱)

اهل بیت علیهم السلام نیز اصطلاحی تاریخی، قرآنی، حدیثی و کلامی است که معنای آن، «خانواده پیامبر صلوات الله علیہ و آله و سلم» است (ابن منظور، ۱۳۶۴، ص ۲۵۳ / فیروزآبادی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۸۶). «اهل» کلمه‌ای است که برای انسان، قبیله، شهر، دین، خانه و حکومت به کار می‌رود. و مصغر «آل» است. «اهل بیت» به معنای کسانی است که نسب خانوادگی، وسیله جمعشان است (راغب اصفهانی، ۱۳۶۲، ص ۳۰).

در متون تاریخی، خبری که نشانگر استفاده شایع اصطلاح «اهل بیت» پیش از اسلام باشد، وجود ندارد؛ ولی پس از اسلام، به ویژه پس از نزول آیات ۳۲-۳۴ سوره احزاب، این اصطلاح درباره حضرت علی علیهم السلام و فاطمه علیهم السلام و فرزندان آن دو به کار رفته است.

پس از قرن اول و با وجود استفاده زودگذر عباسیان از این اصطلاح برای خود، از لحاظ تاریخی، تنها گروهی که این اصطلاح یا مفهوم را با عنوان یک استراتژی و شعار برای خود به کار برده و بیشتر در صدد بهره‌گیری سیاسی از آن بر ضد جریان‌های حاکم و غاصب بوده و معمولاً هنگام بیان حقانیت یا تظلم از آن استفاده کرده‌اند، علویان (حسینیان و حسینیان) از نسل فاطمه علیهم السلام بوده‌اند (الهیزاده، ۱۳۸۵، ص ۵۸).

حسینیان این اصطلاح را در معنای نسبی آن و به معنای نسل پیامبر صلوات الله علیہ و آله و سلم به کار می‌بردند، ولی حسینیان آن را به دسته معینی از نسل فاطمه علیهم السلام محدود می‌دانستند. استفاده فراوان امامان شیعه علیهم السلام از این اصطلاح درباره خود، در احادیث آشکار است. از جمله، در باور شیعیان، مقصود از اهل بیت در احادیث چون حدیث ثقلین، حدیث سفینه و حدیث نجوم، امامان دوازده‌گانه‌اند؛ زیرا به دلایل عقلی و نقلی، منزلتی که در این احادیث آمده، تنها برای آنان ثابت است؛ چنان که جمعی از اهل سنت هم به آن تصریح کرده‌اند. شیعیان بر اساس دلایل یادشده و شواهدی که در تاریخ اسلام آمده است، معتقدند که واژه اهل بیت علیهم السلام صرفاً به چهارده معصوم اطلاق می‌شود و بنابر آن شواهد، حتی همسران پیامبر خدا صلوات الله علیہ و آله و سلم نیز داخل در مفهوم اهل بیت علیهم السلام نیستند؛ هر چند به عنوان همسر پیامبر خدا صلوات الله علیہ و آله و سلم جایگاه آنان محفوظ است. فراوانی کاربرد اصطلاح اهل بیت یا مفهوم آن، در سخنرانی‌ها، نامه‌ها و دعوت‌های قیام‌کنندگان حسنی دیده می‌شود و قیام حسین بن علی (صاحب فخ) در پژوهش حاضر، مؤید این سخن است.

۳. زمینه‌های قیام

مهم‌ترین نگرانی و تهدید خلافت عباسیان، جنبش علویان بود. این جنبش از ابتدای خلافت به وجود آمد و علویان با موروثری شدن خلافت در خاندان عباسی، به مبارزه با آن پرداختند. در سال ۱۴۴ ق خلیفه عباسی بسیاری از حسینیان را در حالی که غل و زنجیر به پا و گردن داشتند، از زندان مدینه به زندان‌های عراق منتقل کرد، منصور در سال ۱۴۵ ق پایتخت خود را از هاشمیه در نزدیکی کوفه که مرکز تجمع هواداران علویان بود، به بغداد انتقال داد. پس از تشکیل حکومت عباسی، حسینیان دو موضع متفاوت دربرابر آن حکومت اتخاذ کردند. بیشتر آنان به همراه عبدالله بن حسن علیه السلام و فرزندانش در مقابل عباسیان قرار گرفتند و عده کمی، از جمله حسن بن زید بن حسن علیه السلام و جعفر بن حسن علیه السلام با آنان همراه شدند (کاتب واقدی، [بی‌تا]، ج ۴، ص ۷ / نیز ر.ک: ابن عساکر، ۱۴۱۹ ق، ج ۲۷، ص ۳۶۸).

از جمله حسینیانی که در برابر حکومت عباسی قیام کرد، ابوعبدالله حسین بن علی بن حسن (مثلث) بن حسن (مثنی) بن حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام از بزرگان بنی حسن علیه السلام در عصر حکومت موسی‌الهادی بود. تا زمانی که مهدی، پدر هادی عباسی خلافت داشت، وضعیت حسینیان مناسب بود؛ اما با مرگ مهدی و روی کار آمدن هادی، وضعیت دگرگون شد. وی عمر بن عبدالعزیز بن عبدالله بن عمر بن خطاب را به ولایت مدینه منصوب کرد. وی بر علویان بسیار سختگیری می‌کرد؛ به گونه‌ای که در این برهه از زمان، احساس نارضایتی شدیدی در علویان ایجاد شد. بر اساس شواهد تاریخی، می‌توان به مواردی از دلایل عینی ایجاد این نارضایتی اشاره کرد. برای نمونه، حسین بن علی صاحب فخ، به راحتی به دربار مهدی عباسی رفت و آمد می‌کرد و مطالبات خود را به خلیفه عرضه می‌داشت؛ حتی می‌توان مدعی شد رابطه وی با خلفای عباسی قبل از هادی، حسته بود و ظاهر امر نشان‌دهنده پذیرش خلافت عباسیان از سوی وی بوده است؛ اما با اعمال فشارهای خارجی ناشی از سیاست خلیفه وقت عباسی بر علویان، این حسن ارتباط به تنشی جدی بین آن دو به نمایندگی از دو تفکر مختلف در جامعه اسلامی آن روز تبدیل شد و نارضایتی‌ها به سمت هادی

ارزیابی ماهیت سیاسی - فکری جنیش شهید فخ در مقایسه با قیام کربلا ۱۹۳

عباسی سوق پیدا کرد. سختگیری‌های حاکم مدینه چنان زیاد شد که تکاپوی هرجه بیشتر علوبان بر ضد دستگاه حکومتی آن روز را برانگیخت و دامنه این جنبش تا شوریدن بر ضد هادی خلیفه عباسی پیش رفت؛ حسین بن علی، رهبر این جنبش، ابتدا موفقیت‌هایی را به دست آورد. اما سرانجام شکست خورد و در هشتم ذی‌الحجہ سال ۱۶۹ق در «فح» همراه با یارانش شهید شد. یحیی و برادرش ادریس که از فرزندان عبدالله بن حسن علیهم السلام بودند، از این قیام جان سالم به در بردن. یحیی به یمن رفت و برای مدتی در آنجا اقامت گزید؛ سپس روانهٔ ری و خراسان شد و دعوت خود را آشکار کرد. پس از مدتی، با هارون‌الرشید صلح کرد و از او امان‌نامه گرفت. سرانجام، هارون با ادعای خدشه‌دار بودن متن امان‌نامه، آن را باطل اعلام کرد و در سال ۱۸۴ق وی را در زندان کشت (طبری، ۱۳۷۵، ج. ۸، ص. ۱۹۲ و ۱۹۳ / ج. ۵، ص. ۲۵ / الاعلام، ج. ۲، ص. ۲۶۴ / ابن خلدون، ۱۹۷۹، ج. ۳، ص. ۲۱۵ / اصفهانی، ص. ۴۳۱ به بعد / ابن‌اثیر، ۱۳۸۰، ج. ۶، ص. ۹۰ / مسعودی، ۱۳۷۷، ج. ۳۳، ص. ۲۶۳) ادریس نیز راه مغرب را در پیش گرفت و در آنجا دولت ادریسیان را بنیان نهاد.

مورخان برآن‌اند که انگیزه قیام صاحب فخ، به شکنجه‌های هولناک و ستم فراوانی بر می‌گردد که وی شاهد آن بوده است. موسی‌الهادی، خلیفه عباسی که مردی تندخو، سنگدل و بداخلاق بود (مسعودی، ۱۳۷۷، ج. ۳، ص. ۳۳۵)، عمر بن عبدالعزیز، نوه عمر بن خطاب را که به مخالفت و دشمنی با امیر المؤمنین علی علیهم السلام و آل او شهرت داشت، بر مدینه گمارده بود (ابن طباطبا، ص. ۱۷۱ / یعقوبی، ۱۳۷۴، ج. ۳، ص. ۱۳۶). و در خوار ساختن علوبان و ستم بر آنان تندروی می‌کرد و هر روز از آنان تعهد می‌گرفت که نزد وی حاضر شوند تا خود شخصاً بر آنها نظارت داشته باشد و هر یک از علوبان را ضامن دیگری قرار داده بود تا به موقع یکدیگر را نزد وی حاضر سازند. در جریان سرپیچی علوبان از این قانون، حاکم مدینه برخورد تند و ناشایستی را با آل علی علیهم السلام انجام داد (قرشی، ۱۳۶۸، ج. ۱، ص. ۵۲۰) این سیاست‌ها، اثر اقدامات اندک دورهٔ مهدی را که برای بهبودی روابط میان دو خاندان به وجود آمده بود، از بین برد و دوباره تنیش میان علوبان و عباسیان برقرار شد.

این رویدادها و هتک حرمت‌ها به علوبیان، انگیزه و عامل اصلی قیام فخر و مخالفت وی با حکومت شد (اصفهانی، ۱۳۴۹، ص ۲۹۷/ طبری، ۱۳۷۵، ج ۸، ص ۱۹۳). از سوی دیگر، ستم حاکمان عباسی بر ضد طالبیان، عاملی شد تا آنها نیز بی‌توجهی را کنار نهند و آشکار کردن هویت واقعی وی را در دستور کار خود قرار دهند. در اخبار و روایات موجود، از جمله در *المصابیح ابوالعباس حسنی* و نیز در *اخبار فخر احمد بن سهل رازی*، نشانه‌ها و شواهدی در زمینه برنامه‌ریزی‌ها و تلاش‌های حسین بن علی برای قیام در دوران مهدی وجود دارد. در سفر وی به بغداد و در ادامه به کوفه، عده‌زیادی از شیعیان با او بیعت کردند. وی زمان حج را برای قیام در نظر گرفت و برای افراد مورد اعتماد خود در خراسان و جبل و دیگر نواحی، نامه نوشت (رازی، ۱۹۹۵م، ص ۲۸۴).

این گونه اخبار، بیانگر فعالیت‌های سیاسی پنهان حسین بن علی، دست کم در دوران خلافت مهدی عباسی است و می‌توان گفت هدف اصلی حسین از عزیمت به عراق، دیدار با پیروان و هواداران عراقی خود بود. در واقع، طلبکاران او همان پیروانش بودند که در صدد تهیه زمینه قیام بودند و او آن مبالغ را برای امر دعوت، میان آنها توزیع کرده بود.

۴. چگونگی قیام در مدینه

در ایام حج، گروهی از علوبیان با شعار «أحد أحد» که شعار علوبیان در قیام‌هایشان بود، وقت نماز صبح به مسجدالنبی وارد شدند. عبدالله بن حسن افطس، مؤذن را وادار کرد در اذان «حی على خير العمل» بگوید. والی با شنیدن این جمله در اذان، هراسان شد و دارالحکومه را رها کرد و گریخت (اصفهانی، ۱۳۴۹، ص ۴۴۶/ هارونی، ۱۳۸۷، ص ۹۴-۹۵). حسین و یارانش موفق شدند مسجد مدینه را تصرف کنند و در آن مکان مستقر شوند. مردم نیز نماز صبح را به امامت حسین اقامه کردند (اصفهانی، ۱۳۴۹، ص ۴۴۶/ حسنی، ۱۴۲۲ق، ص ۴۷۱). حسین پس از نماز خطبه‌ای خواند و مردم را به بیعت دعوت کرد. او گفت: من، که بر فراز منبر رسول خدایم، فرزند اویم. ای مردم! شما آثار رسول خدا را در سنگ و چوب می‌جویید و برای تبرک، آن را لمس می‌کنید؛ ولی پاره تنش را ضایع می‌سازید. او ادامه داد: من بر اساس کتاب خدا و سنت رسولش و

ارزیابی ماهیت سیاسی - فکری جنیش شهید فخ در مقایسه با قیام کربلا ۱۹۵

بر اساس فرمانبرداری از او با شما بیعت می‌کنم و شما را به «الرضا من آل محمد» دعوت می‌نمایم و {تعهد می‌کنم} در میان شما بر اساس کتاب خدا و سنت پیامبرش رفتار کنم و در میان رعیت، از روی عدل عمل، و بیتالمال را به طور مساوی میان مردم تقسیم کنم. شما در همراهی با ما ثابت‌قدم باشید و با دشمنان ما بجنگید؛ اگر دیدید به وعده‌های خود عمل کردیم، شما نیز به پیمان خود وفادار باشید؛ و اگر دیدید به وعده‌های خود وقعي ننهادیم، بیعتی از ما بر گردن شما نخواهد بود (اصفهانی، ۱۳۴۹، ص ۴۵۰ / طبری، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۱۶۰).

در حدیثی در اصول کافی آمده است که حسین بن علی، رهبر قیام، امام موسی کاظم علیه السلام را به بیعت دعوت کرد. امام فرمودند: ای پسرعمو! چیزی بر من تکلیف نکن...؛ زیرا ممکن است چیزی بگوییم که مایل به گفتن آن نیستم.... (کلینی، ۱۴۱۳ق. ج ۱، ص ۳۶۶). بنابراین، حسین آن حضرت را رها کرد و خدا حافظی نمود. امام نیز فرمودند: «ای پسرعمو! تو کشته خواهی شد... برخی مردم، در ظاهر مؤمن‌اند و در باطن مشرک... انا لله و انا الیه راجعون....

نیروهای انقلابی موفق شدند پس از درگیری با سپاهیان عباسی، فرمانداری را به تصرف درآورند و بر خزانه بیتالمال مسلط شوند. در این گیرودار، فرصت‌طلبان و دزدان به بیتالمال دستبرد زدند و مقداری از اموال مسلمانان را به سرقت برداشتند؛ اما بقیه آن، که بین ده تا هفتاد هزار دینار برآورد شده است، به دست حسین افتاد (طبری، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۶۰۲ / ابراهیم حسن، ۱۹۶۴، ج ۲، ص ۱۳۹).

روز بعد، پیروان عباسیان بر حسین و یارانش شوریدند و از صبح تا ظهر، با آنان جنگیدند؛ ولی هیچ کدام بر دیگری غلبه نکرد. سرانجام حسین توانست عباسیان مدینه را شکست دهد و شهر را آرام کند (اصفهانی، ۱۳۴۹، ص ۴۴۸-۴۴۹). پس از این، عده زیادی از مردم مدینه، و مردمی از قبایل جهینه، مزینه، ضمره و غفار با حسین بیعت کردند. (حسنی، ۱۴۲۲ق.، ص ۴۷۹ / رازی، ۱۹۹۵م، ص ۲۹۵) علیاً، بجز موسی بن جعفر علیه السلام و حسین بن جعفر بن حسن بن حسن، که برای بیعت عذر آورند، همگی با حسین بن علی بیعت کردند (اصفهانی، ۱۳۴۹، ص ۴۴۷ / محلی، ۱۴۲۳ق.، ص ۳۲۳).

۵. چگونگی قیام در مکه

حسین و یارانش یازده روز در مدینه ماندند و به تجهیز سپاه و تهیه ساز و برگ پرداختند (طبری، ج^۴، ص^{۵۹۷}). آنان در این چند روز در مسجد نبوی ساکن بودند. در بیست و چهارم ذی القعده سال ۱۶۹ق، حسین به همراه خاندان و یارانش که حدود سیصد نفر می‌شدند، با عجله به سمت مکه حرکت کردند و چون به فخر رسیدند، در آنجا اردو زدند. همان جا بود که سپاهیان عباسی به رهبری محمد بن سلیمان بن علی عباسی و عده‌ای دیگر از عباسیان، از جمله عباس بن محمد و موسی بن عیسی پس از آگاهی از شورش علویان، در «ذی طوی» نزدیک مکه موضع گرفتند و این گونه مانع ورود حسین و سپاهیان به مکه و رسیدنشان به وعده‌گاه «عرفات» شدند (همان، ص^{۵۹۸}).

محمد به حسین و یارانش امان داد؛ ولی آنها نپذیرفتند (همان، ص^{۱۶۰}). از سوی دیگر، حسین بن علی مردی از یاران خود را فرستاد تا بر شتری سوار شود و سخنان او را به گوش سپاه عباسی برساند. حسین گفت: ای سیاهپوش! این حسین بن علی، فرزند رسول خدا و فرزند پسرعموی اوست که شما را به سوی کتاب و سنت رسولش فرا می‌خواند حسین پیش از آغاز جنگ، در سخنانی به یاران خود روحیه داد و دو نتیجه را برای یارانش ترسیم کرد: پیروزی یا شهادت. سپس گفت: در نهایت ما پیروزیم (رازی، ۱۹۹۵م، ص^{۱۴۸}).

دو سپاه، در هشتم ذی حجه با هم رودررو شدند و نبرد آغاز شد. عباسیان با یک تاکتیک حساب شده سپاه حسین را به دام انداختند. پس از درگیری شدید بین دو طرف، حسین و بسیاری از یارانش به شهادت رسیدند و گروهی از یاران او از جمله ادریس و یحیی، پسران عبدالله محض، به میان حجاج رفتند و توانستند بگریزند (المحلی، ۱۴۲۳ق، ص^{۵۹۹}). بدنهای کشتگان تا سه روز روی زمین ماند و حیوانات درنده آنها را خوردند (مسعودی، ۱۳۷۷ق، ج^۳، ص^{۳۳۶}). حسین و یارانش انسان‌های

ارزیابی ماهیت سیاسی - فکری جنیش شهید فخ در مقایسه با قیام کربلا ۱۹۷

وارسته‌ای بودند که حتی سپاهیان عباسی و فرماندهانشان نیز به این امر اذعان داشتند (اصفهانی، ۱۳۴۹، ص ۴۵۵ / طبری، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۲۰۲). سرها و اسیران را نزد هادی بردن. وی دستور داد سر حسین را بر پل بغداد آویختند؛ سپس آن را به خراسان فرستاد (ابن حبیب، ۱۳۶۱، ق ۴۹۳).

حسین بن علی، شهید فخ، در سن ۲۶ سالگی بدون آنکه از او فرزندی مانده باشد، به شهادت رسید؛ ولی برخی یاران او به اطراف متواری شدند. ادریس بن عبدالله به مغرب رفت و حکومت ادریسیان را تشکیل داد. برادرش یحیی نیز به دلیم گریخت و در آنجا قیام کرد. آیت‌الله خویی در معجم رجال حدیث، تمام احادیث مدح و ذم حسین بن علی را ضعیف‌السنده دانسته؛ ولی درباره توثیق یا مدح او مطلبی بیان نکرده و به سکوت گذشته است (خوئی، ۱۹۷۸، م ۴۱-۴۲، ج ۶، ص ۳۵۱۵) علامه شیخ محمد شوشتري، در قاموس الرجال مطلبی در توثیق یا قدح وی بیان نکرده؛ ولی چینش بحث و ذکر روایات مادحه نشان از تمایل ایشان به تأیید وی است؛ با این حال، از او با عنوان «قتیل فخ»، نه «شهید فخ» یاد کرده است (شوشتري، ۱۴۱۰، ق ۳، ج ۳، ص ۴۹۳-۴۹۱) با عنوان صاحب فخ، نه قتیل فخ یاد کرده است (شوشتري، ۱۴۱۹، ق ۷۸، ص ۶۶ و ۷۸)

دعبل خزاعی، شاعر اهل بیت علی‌آل‌ابی‌طالب درباره شهدای این خاندان سروده است:

قبورُ بکوفان وأخرى بطيبة	وآخرى بفتح نالها صلواتى
وآخرى بآرضِ الجوزجان محلها	وآخرى بیاخمری لدی الغربات
قبورُ لدی النهرین من أرض كربلا	مُعرَّسُهم منها بشرط فرات

(اشعری، ۱۴۱۹، ص ۷۸ و ۶۶)

۶. جدول^۱ اعتبارسنجی قیام فخ بر اساس معیار قیام امام حسین علیه السلام

منبع	قیام فخ (حسین صاحب فخ)	منبع	قیام طف (قیام کربلا)	قیام‌ها متغیرها
	قیام فخ بدون همراهی و حضور امام موسی کاظم علیه السلام صورت گرفته است.	الفتوح، ج ۵، ص ۴۸۰	امام حسین علیه السلام روز پنجم شنبه دوم محرم سال ۱ عق، در کربلا خود آمد و خود رهبری قیام را بر عهده گرفت.	همراهی امام علیه السلام قیام
	گزارشی برای تأیید قیام از سوی امام علیه السلام دست نیست.		با حضور امام معصوم علیه السلام قیام کاملاً تأیید شده است.	تأیید قیام توسط امام
	گزارشی وجود ندارد که امام باران نزدیکش را برای حضور در قیام فرستاده باشد.		نفس وجود امام معصوم علیه السلام حکم حضور در قیام برای دیگران است.	تأیید حضور باران امام
کلینی، ج ۱، حدیث ۸، ص ۳۶۶	در جریان بیعت‌گیری، پس از طرح اهداف از سوی رهبر قیام، امام از بیعت کردن و تأیید اهداف، سر باز زندن.		به دلیل حضور خود امام معصوم علیه السلام، تمام اهداف قیام تأیید می‌شود.	تأیید اهداف از سوی امام علیه السلام
	پیروی رهبر قیام از امام معصوم، در گزارش‌های تاریخی دیده نمی‌شود.		رهبر قیام، خود شخص امام معصوم بوده است.	پیروی دینی رهبری از امام علیه السلام
	پیروی از سیاست جهادی امام کاظم علیه السلام توسط رهبر، قیام دیده نمی‌شود.		رهبر قیام، خود امام معصوم بوده است.	پیروی سیاسی از امام علیه السلام
اصفهانی، ۱۳۴۹/۴۵۵ ص، طبری، ج ۴، ص ۶۰۲	حسین بن علی طالبی دارای جایگاه ویژگی در میان مردم، به دلیل سادات بودن داشت.		رهبر قیام، نوہ پیامبر علیه السلام و فرزند حضرت فاطمه علیه السلام است.	جایگاه دینی رهبری قیام
اصفهانی، ۱۳۴۹/۱۴۵۰ ص، طبری، ج ۴، ص ۶۰۱	عمل به کتاب خدا و سنت پیامبر؛ سیر کردن بیتیمان و بیووه‌زان، عزیز کردن عزیزان خدا و ذلیل کردن آنانی که خدا آنها را ذلیل کرده است؛ امر به معروف و نهی از منکر؛ و همچنین رضا به آل محمد.	- ۱۸ مهری، ص ۲۸/طبری، ۷، ص ۲۴	عمل به کتاب خدا و سنت رسول خدا؛ امر به معروف و نهی از منکر و اصلاح امور جامعه اسلامی.	اهداف قیام
	پیامدهای مثبت؛ واکنش در برابر عباسیان و ظلم و جور آنها؛ پیامدهای منفی؛ بی تدبیری رهبر قیام و بی برنامگی قیام.		شهادت امام معصوم، خانواده و باران با وفايشان، و زنده شدن اسلام و سنت پیامبر اسلام علیه السلام.	پیامدها و نتایج قیام

۱. بر اساس طرح دکتر بارانی، جزوء کلاسی در جنبش‌ها و نهضت‌های شیعی، ۱۳۸۹.

ارزیابی ماهیت سیاسی - فکری جنیش شهید فخ در مقایسه با قیام کربلا ۱۹۹

عملکرد قیام کنندگان	عملکرد قیام	مثبت ارزیابی می‌شود و نیز معیاری برای قیام‌های بعدی.	عملکرد قیام کنندگان متناسب با اهداف مد نظر قیام، مثبت ارزیابی می‌شود.
با تکنیکهای نظامی، سپاهیان انقلابی را به دام انداختند و کشتنند.	در کمال قساوت به قتل و آزار و اذیت پرداختند.	عملکرد مخالفان	
از حضور باران امام موسی کاظم علیهم السلام در این قیام، گزارشی در دست نیست.	محدثی، ص ۲۱ راوندی، اق ۴۰۹ نقل از ابو حمزة ثمالی، ابو منفه، ۱۳۶۷ ص ۱۹۷.	یاران حقیقی حضور داشتند.	حضور باران امام علیهم السلام
اصفهانی، ۱۳۴۹ /۴۴۶ ص هارونی، ۱۳۸۷، ۹۵-۹۴ ص	شعار أحد أخذ و (ح) على خير العمل؛ که در تاریخ نهضت‌های شیعی در اسلام، نماد حرکت‌های شیعی بوده است.	مهری، ۳۱۹۲۸ ص	هیبات من الذلة؛ دعوت به حق؛ و ریشه کن کردن باطل.
کاتب و اقدی، ح ۴، ص ۷ نیز ر.ک. ابن عساکر، ۳۶۸ ص ۴۷، همچنین ر.ک. اصفهانی، ۲۹۷ ص ۱۳۴۹ / طبری ج ۸، ص ۱۹۳	هتك حرمت علویان؛ ظلم و جور حکام عباسی؛ تحمل نکردن ننگ و عار و ذلت برای سادات علوی؛ و عمل به تکلیف.	ر.ک: مجلسی، ۲۲۴، ص ۴۴ تا ۳۲۹ مقدم، ۱۳۸۱ ص ۱۸۴	فشار بیزید برای بیعت‌گیری از امام علیهم السلام و سنت و زیر پا گذاشتن آموزه‌های اسلامی، کتاب و سنت پیامبر علیهم السلام، و رواج منکرات در جامعه اسلامی.
اصفهانی، مقالات الطالبین، ۱۳۸۵ اق ص ۲۰۲ / مجلسی، ۱۳۸۵ اق ج ۴۸، ص ۱۶۵	امام معصوم، خطاب به رهبر قیام می‌فرماید: او مسلمانی صالح، بسیار روزدار و نمارگار بود و امری به معروف و نیهی از منکر می‌کرد. در میان خاندانش کسی چون او نبود. «انا لله وانا عليه راجعون».	ر.ک: مجلسی، ۲۴۷، ص ۴۴ و ۲۴۸ صدقو، ۱۳۸۹ ص ۹۹ - ۱۰۱، ۱۳۷۰، ۳۲۱ ص/قمنی	طبق روایات خود پیامبر علیهم السلام، امام علی و فاطمه زهرا علیهم السلام و دیگر ائمه علیهم السلام درباره سید الشهداء علیهم السلام گفتارهای تأیید‌آمیز بلندی دارند.

نتیجه

در اعتبارسنجی قیام فخ بر اساس معیار قیام امام حسین علیهم السلام، با توجه به یافته‌های جدول یادشده می‌توان چنین نتیجه گرفت: همان‌گونه که قیام امام حسین علیهم السلام عکس‌العملی در برابر فشار بیزید برای بیعت‌گیری از امام علیهم السلام، ظلم و ستم، زیر

پاگداشت آموزه‌های اسلامی، کتاب و سنت پیامبر ﷺ، و رواج منکرات در جامعه اسلامی بود، قیام فخر نیز عکس العملی در برابر هتك حرمت‌های صورت‌گرفته بر علویان، ظلم و جور حکام عباسی، تحمل نکردن ننگ و عار و ذلت برای سادات علوی، و عمل به تکلیف بوده است. قیام عاشورا با توجه به حضور امام حسین علیه السلام و یاران صدیق ایشان، معیاری برای ارزیابی قیام‌های بعدی شد که قیام حسین بن علی صاحب فخر، یکی از آنهاست. وی هدف خود را از قیام دربرابر عباسیان، عمل به کتاب خدا و سنت پیامبرش، سیر کردن یتیمان و بیوه‌زنان، عزیز کردن عزیزان خدا و ذلیل کردن آنانی که خدا آنها را ذلیل کرده است، امر به معروف و نهی از منکر، و همچنین رضای به آل محمد معرفی کرده است. بنابراین، با توجه به اهداف قیام شهید فخر، عملکرد قیام‌کنندگان مثبت ارزیابی می‌شود؛ اما جنبش شهید فخر پیامدهایی را نیز برای جامعه علویان آن روز بهبار آورد. از پیامدهای مثبت آن می‌توان به واکنش در برابر عباسیان و ظلم و جور آنها اشاره کرد؛ اما از مهم‌ترین پیامدهای منفی این جنبش، بی‌تدبیری رهبر قیام و بی‌برنامگی قیام بوده است. مهم‌ترین مسئله در بررسی قیام فخر و تحلیل موضع گیری امام آن عصر، یعنی امام موسی کاظم علیه السلام این است که اگرچه ایشان رهبر قیام را مسلمانی صالح و بسیار روزه‌دار و نمازگزار معرفی می‌کنند که امر به معروف و نهی از منکر می‌کرد و در میان خاندانش کسی چون او نبود، اما نه تنها گزارشی درباره تأیید قیام فخر از سوی آن حضرت در دست نیست بلکه در جریان بیعت گیری، پس از طرح اهداف از سوی رهبر قیام، امام از بیعت با او و تأیید اهدافش سر باز زدند. بنابراین، قیام فخر بدون همراهی و حضور امام موسی کاظم علیه السلام صورت گرفته است. افزون بر این شخص امام معصوم هم در قیام حضور ندارند. حتی گزارشی وجود ندارد که امام یاران نزدیک خود را برای حضور در قیام فرستاده باشد. از سوی دیگر، تبعیت رهبر قیام از سیاست جهادی امام کاظم علیه السلام که مسلماً قیام به شمشیر نبوده است، دیده نمی‌شود.

منابع

۱. ابن اثیر (عز الدین)، *تاریخ کامل*، ترجمة محمد حسین روحانی، ج. ۸، تهران، اساطیر، ۱۳۸۰.
۲. ابن اعثم کوفی، محمد بن علی، *الفتوح*، تحقيق علی شیری، بیروت، دار الأضواء، ۱۴۱۱ق.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، الامالی، قم، نسیم کوثر، ۱۳۸۹.
۴. ابن حبیب، محمد، *المحبر*، تصحیح البزه لیختن شتیر، بیروت، دار الافق الجدیده، ۱۳۶۱ق / ۱۳۱۹ش.
۵. ابن خلدون، عبدالرحمان، *العبر*، ج. ۳، بیروت، مؤسسه جمال للطباعة والنشر، ۱۹۷۹م.
۶. ابن طباطبا، محمد بن علی، *تاریخ الفخری*، ترجمة محمد وحید گلپایگانی، تهران، علمی و فرهنگی.
۷. ابن عساکر، علی بن حسین، *تاریخ مدینة دمشق*، تحقيق علی شیری، بیروت، دار التراث العربی، ۱۴۱۹ق.
۸. ابن عنبه، احمد بن علی، *عمدة الطالب فی انساب آل ابی طالب*، قم، انصاریان، ۱۴۱۷ق.
۹. ابن قتبیه، عبدالله بن مسلم، ج. ۱، *المعارف*، تحقيق علی شیری، بیروت، دارالأضواء، ۱۴۱۰ق.
۱۰. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل، *البداية والنهاية*، تحقيق علی عبدالساتر و دیگران، ج. ۷ و ۱۰، چاپ دوم، بیروت، دار الكتب العلمیة، ۱۹۸۷م.
۱۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب المحيط*، بیروت، دار الجبل، دار لسان العرب، ۱۳۶۴.
۱۲. ابوالعباس حسینی، احمد بن ابراهیم، *المصابیح*، عبدالله بن احمد الحوثی، چاپ دوم، عمان، مؤسسه الامام الریبد بن علی الثقافیه، ۱۴۲۳ق.
۱۳. ابی مخنف، لوطنی یحییی الازدی الغامدی الکوفی، *وقدۃ الطف*، تحقيق محمد هادی الیوسفی الغروی، قم، جماعت المدرسین، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۳۶۷.
۱۴. اشعری، علی بن اسماعیل، *مقالات الاسلامیین واختلاف المصلین*، تحقيق محمد محیی الدین عبدالحمید، بیروت، المکتبة العصریة، ۱۴۱۹ق، ۱۹۹۹م، ۱۳۷۸ش.
۱۵. آشوری، داریوش، *فرهنگ علوم انسانی*، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۴.
۱۶. اصفهانی، ابوالفرح علی بن حسین، *مقاتل الطالبین*، ترجمه سیدهاشم رسولی محلاتی، اسلامیه، ۱۳۴۹.
۱۷. آقابخشی، علی، *فرهنگ علوم سیاسی*، تهران، مرکز اطلاعات و مدارک ایران، ۱۳۷۴.
۱۸. الامینی، محمد هادی، *بطل فتح*، نجف اشرف، مطبعة الحیدریة، ۱۹۶۹م.
۱۹. بیبی، ارل، *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*، ترجمة رضا فاضل، چاپ چهارم، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی و دانشگاهها (سمت)، ۱۳۸۵.
۲۰. بلاذری، احمد بن یحییی، *انساب الاشراف*، تحقيق عبدالعزیز الدوری، بیروت، دار النشر، ۱۳۹۸ق.

 ۲۰۲ فصلنامه علمی - پژوهشی شیعه‌شناسی / سال دوازدهم / شماره ۴۶ / تابستان ۱۳۹۳

۲۱. جعفریان، رسول، *تأملی در نهضت عاشورا*، قم، انصاریان، ۱۳۸۱.
۲۲. حسن ابراهیم، حسن، *تاریخ سیاسی اسلام*، ج ۲، ط الساده، بیروت، دارالاندلس، ۱۹۶۴.
۲۳. حسنی، احمدبن ابراهیم ابوالعباس، *المصابیح*، عمان (اردن)، مؤسسه الامام زیدبن علی الثقافیة، ۱۴۲۲ق، ۲۰۰۲م.
۲۴. حموی، شهاب الدین یاقوت بن عبدالله، *معجم البلدان*، تصحیح محمد عبدالرحمن مرعشی، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی و مؤسسه التاریخ العربی، [بی‌تا].
۲۵. خوئی، ابوالقاسم، *معجم الرجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة*، ج ۶، بغداد، المکتبة الوطنية، ۱۹۷۸.
۲۶. دهخدا، علی اکبر، *لغت نامه*، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
۲۷. رازی، احمدبن سهل، *اخبار فخ و خبر یحیی بن عبدالله و اخیه ادريس بن عبدالله*، تحقیق ماهر جرار، بیروت، دار الغرب الاسلامی، ۱۹۹۵م / ۱۳۷۴ش.
۲۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *المفردات فی غریب القرآن*، چاپ دوم، مرتضوی، ۱۳۶۲.
۲۹. راوندی، قطب الدین، *الغرائج و العرائج*، قم، مؤسسه الامام المهdi، ۱۴۰۹هـ.
۳۰. رضوی اردکانی، ابوفضل، *ماهیت قیام شهید فخ*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰.
۳۱. الزین، محمد خلیل، *تاریخ الفرق الاسلامیة*، بیروت، مؤسسه الأعلمی للطبعات، ۱۹۸۵ / ۱۴۰۵ق.
۳۲. شوستری، محمدتقی، *قاموس الرجال*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین، ۱۴۱۰ق.
۳۳. صفری فروشانی، نعمت‌الله، «تحلیلی بر قیام‌های علیویان در دوران امام رضا» و ارتباط آن با «ولایت‌عهدی»، *فصلنامه علمی - پژوهشی شیعه‌شناسی*، س ۷، ش ۲۶، تابستان ۱۳۸۸.
۳۴. طبری، محمدبن جریر، *تاریخ طبری*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج ۱۱، چاپ چهارم، تهران، اساطیر، ۱۳۷۵.
۳۵. علی بابایی، غلامرضا، *فرهنگ علوم سیاسی*، چاپ دوم، تهران، شرکت نشر و پخش ویس، ۱۳۹۶ق.
۳۶. فیروزآبادی، محمدبن یعقوب، *القاموس المحيط*، ج ۳، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۱۲ق.
۳۷. قرشی، شریف‌باقر، *تحلیلی از زندگی امام کاظم*، مشهد، کنگره جهانی حضرت رضا، ۱۳۶۸-۱۳۶۹.
۳۸. قمی، عباس، *سیمای پر فروغ محمد*، ترجمه محمد محمدی اشتهرادی، قم، ناصر، ۱۳۷۰.
۳۹. کاتب واقدی، محمدبن سعد، *طبقات الکبری*، ج ۷، بیروت، دارالصادر، [بی‌تا].

ارزیابی ماهیت سیاسی - فکری جنبش شهید فخ در مقایسه با قیام کربلا ۲۰۳

۴۰. کاظمی پوران، محمد، **قیام‌های شیعه در عصر عباسی**، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰.
۴۱. کلینی، محمد بن یعقوب، **الكافی فی الأصول**، تحقیق محمد جواد الفقیه، بیروت، دار الاصوات، ۱۴۱۳.
۴۲. کلینی، محمد بن یعقوب، **الكافی فی الأصول**، ج ۱، باب ما یفصل به بین دعوی الحق والمبطل فی أمر الامامة.
۴۳. کیوی، ریمون، و لوکوان، کامپنهود، **روش تحقیق در علوم اجتماعی (نظری و عملی)**، تهران، نشر توپیا، ۱۳۸۵.
۴۴. گیدنز، آنتونی، **جامعه‌شناسی**، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی، ۱۳۸۷.
۴۵. لیپیست، سیمور مارتین، **دایرة المعارف دموکراتی**، ترجمه کامران فانی، نورالله مرادی، تهران، وزارت امور خارجه، کتابخانه تخصصی، ۱۳۸۳.
۴۶. اللیثی، سمیره مختار، **جهاد الشیعة فی عصر العباسی الاول**، ترجمه محمد حاجی تقی، تهران، مؤسسه شیعه‌شناسی، ۱۳۸۴.
۴۷. مجلسی، بخار الأنوار، ج ۴۸، تهران، المکتبة الاسلامیة، ۱۳۸۵.
۴۸. محدثی، جواد، **فرهنگنامه عاشورا**، قم، معروف، ۱۳۷۵.
۴۹. المحلى، حمید بن بزید، **العدائق الوردية فی مناقب الائمة الزيدية**، تحقیق مرتضی بن زید المخطوری الحسنی، صنعا، مطبوعات مکتبة مرکز بدر، ۱۴۲۳.
۵۰. مسعودی، علی بن حسین، **مرrog الذهب ومعادن الجوهر**، ج ۳، تحقیق محمد محیی الدین عبدالحمید، بیروت، المکتبة الاسلامیة، ۱۳۷۷.
۵۱. مفید، الارشاد، **تصحیح محمد باقر سعیدی خراسانی و محمد باقر بهبودی**، تهران، اسلامیه، ۱۳۸۰.
۵۲. مقدم، عبدالرزاق، **مقتل الحسین**، ترجمه عزیز اللهی کرمانی، قم، دفتر نشر نوید اسلام، ۱۳۸۱.
۵۳. مهری، محمد جواد بن عباس، **قبسات من کلمات الامام الحسین**، طهران، وزارت الارشاد الاسلامی، ۱۳۶۰ / ۲.
۵۴. نوروزی خیابانی، مهدی، **فرهنگ لغات و اصطلاحات علوم سیاسی**، تهران، مرکز ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۷۲.
۵۵. هارونی، ابوطالب یحیی بن حسین، **الافادة فی تاريخ الائمة الزيدية**، تصحیح و تحقیق محمد کاظم رحمتی، تهران، مرکز پژوهش‌های میراث مکتوب، ۱۳۸۷.
۵۶. الهیزاده، محمد حسن، **جنبش حسینیان**، قم، شیعه‌شناسی، ۱۳۸۵.

۲۰۴ فصلنامه علمی - پژوهشی شیعه‌شناسی / سال دوازدهم / شماره ۴۶ / تابستان ۱۳۹۳

۵۷. يعقوبی، ابن واضح، *تاریخ يعقوبی*، تحقيق عبدالامیر مهناج ۱ و ۲، بيروت، مؤسسة العلمي للطبعات، ۱۴۱۳.
۵۸. يعقوبی، ابن واضح، *تاریخ يعقوبی*، ترجمة محمدابراهیم آیتی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴.
59. Deverdun, G. "Hasani", **Encyclopedia of Islam**, vol.VIII, Leiden, 1993.
60. Lewis.B , "abbasids", **Encyclopedia of Islam**, vol.1, leiden, 1989.
61. Deverdun.G "hasani", **Encyclopedia OF Islam** Vol.3, leiden 1979.
62. Veccia Vaglieri, Laur, "FaKHKH", P. Bearman, Th. Bianquis, C.E. Bosworth, E. van Donzel, and W.P. Heinrichs, In: **Encyclopaedia of Islam**. Second ed, Brill Online, 1986.

خلاصة المحتويات

تعریف: باقر الطابی

دراسة دور دار العلم في طرابلس
في حيوية المذهب الشيعي في عهد بنى عمار
د. سید ابوالقاسم فروزانی / د. لیدا مودت

الخلاصة

ادى بروز الازمات السياسية والاقتصادية في الخلافة الفاطمية وخلافاتهم مع السلاجقين في الشام في القرن الخامس الهجري الى تأسيس حكومات محلية في هذه المنطقة ومن ابرزها دولة بنى عمار الامامية الائتني عشرية في طرابلس. اهتم بنو عمار بالتوسعة الاقتصادية وبنطورة ثقافة طرابلس بشكل كبير ولقد كان لتأسيس دار العلم فيها من قبل بنى عمار دور كبير في انتشار الثقافة والحضارة الاسلامية وكذلك انتقال الثقافة إلى أوروبا. وتعد دار العلم من اغنى مكتبات العالم الاسلامي في القرن الخامس الهجري. وفي زمان حكم هذه الاسرة وبسبب الشراء العلمي لطرابلس سافر إليها العلماء من جميع أنحاء البلاد وكانوا في خدمة بنى عمار. لقد كان لمؤسس دار العلم والذين تأسوا بالحكومات الشيعية الأخرى دور مؤثر في طريق ازدهار وحيوية الشيعة في منطقة الشام. وبعد سقوط هذه الدولة من قبل الصليبيين اوائل القرن السادس احرقت مكتبة دار العلم. يتناول هذا البحث وبأسلوب نظري وبالاستناد إلى المصادر الأصلية الاوضاع الثقافية لطرابلس وارضيات تكون دار العلم فيها. الاصطلاحات الاساسية: بنو عمار، دار العلم، طرابلس.

دراسة المضامين والرموز الشيعية

في نسخة طهماسبی للوحة معراج النبي(ص)

د. على رضا مهدی زاده / د. حسن بلخاری قهی

الخلاصة

يجعل الفنانون الرسامون الايرانيون دائماً المضامين العالية والمعالية الدينية والعرفانية والحكمية والادبية اساساً لايجاد اثارهم القيمة ومن هذه النماذج تصوير واقعة معراج النبي (صلى الله عليه واله) العجيبة هذه الواقعه العجيبة والمهمة جلبت نظر خيال الفنانين الرسامين المسلمين ونتيجة هذا الانعكاسات المختلفة والجميلة من حيث المضمون و من حيث تصويرهم لهذه الواقعه في رسوماتهم وفي عصور متعددة. ومن هذه النماذج البارزة والمذهلة تصوير هذا الموضوع في نسخة فالنامه طهماسبی (المتوفى حدود ۹۵۷ هـ) والتي تم تناولها بشكل اقل بالنسبة الى بقية لوحات المعراج. وتم في هذه المقالة توصيف وتحليل فلسفة وارضية ايجاد هذه اللوحة وخصوصياتها الجمالية وعناصرها الرمزية عديمة المثل. ما توصل اليه في هذه البحث هو ان لوحة المعراج في فالنامه طهماسبی والتي تم ايجادها في قمة الميولات المذهبية للملك طهماسب للتشيع، لها خصوصية فريدة وممتازة بالقياس الى بقية لوحات المعراج من حيث كيفيتها وخصوصياتها الجمالية والعناصر الرمزية المستعملة فيها كحجم هذه اللوحة والتاكيد على امامه الامام على عليه السلام بشكل رمزي و تبين بشكل تام الارضية والجو الفكری للمجتمع (الحوار الشیعی) ودور بصیرة الداعمين في انتاج الاثار وظهور العناصر الرمزية فيها.

الاصطلاحات الاساسية: فالنامه طهماسبی، معراج النبي صلی الله علیه واله، لوحة المعراج، الرموز الشیعیة.

چکیده‌ها ۲۶۱

استعمال منهج علم المعنى في دراسة العقلانية الشيعية

بناء على مبنى الفكر التفسيري للعلامة الطباطبائی

د. داود فیرحی / د. کریم خان محمدی

الخلاصة

اجاب الكاتب على سؤال مفاده ان اى الاسلوبين ارجح في تفسير النصوص خاصة القرآن الكريم، التحليل الدلالى لايزوتسو او اسلوب العلامة الطباطبائى بتفسير القرآن بالقرآن؟ ووصل من خلال ذلك الى اعادة بناء جديدة ويرى ان هذا النهج ينسجم اكثر مع المبانى الشيعية مقارنة بالتوجهات التفسيرية الجديدة كالنزعـة العلمـية والنـزعـة العـقـلـية وخاصة الهرمونـطـيقـيـاـ وذـكـ لـاشـتـمالـه عـلـى بـعـض الـخـصـوـصـيـات كـالـاـصـالـوـيـة وـالـرـؤـوـيـة الـمـوـضـوـعـيـة وـالـشـمـولـيـة وـالـاجـتـنـاب عـنـ الـحـكـم الـمـسـبـق وـالـفـكـر الـنـسـبـيـ وـتـمـ فـيـ هـذـهـ الـمـقـاـلـةـ وـلـاجـلـ التـعـرـيـفـ بـبعـضـ فـنـونـ عـلـمـ الـمـعـنـىـ درـاسـةـ نـمـوذـجـاـ مـوـرـدـيـاـ لـلـعـقـلـانـيـةـ وـالـتـيـ مـنـ نـتـائـجـهـاـ الـعـقـلـانـيـةـ الشـيـعـيـةـ.

الاصطلاحات الاساسية: الدلالية، العقلانية الشيعية، التفسير، العلامة الطباطبائی، ايزوتسو.

الشيعة الخوجة الاثنا عشرية

نموذج ناجح للاقليات الدينية الحية والمنسجمة

د. امیر بهرام عرب احمدی

الخلاصة

يعد الشيعة الخوجة الاثني عشرية من الاقليات الصغيرة والمنسجمة ومع قلة اعدادهم الـ ۱۲۵ الف شخصا الا انها تتمتع بانتظام وانضباط ملفت للنظر. تتواجد هذه الاقليـة الصغـيرـة حاليا في قارات العالم الخمس وبالاضافة الى انها تحت الاشراف العام للاتحاد العالمي للشيعة الخوجة الاثني عشرية فان لهم في كل دولة مجموعات مستقلة.

تم السعى في هذه المقالة وباستخدام اسلوب التحليل والوصف، الى دراسة كيفية تكون هذه الاقلية الدينية الصغيرة بنحو فاعل على انه السؤال الاسلى للمقالة. ويشكل السعى لاثبات كون هذا المجتمع الشيعي الصغير ومن بداية تاسيسه الى الان قد حصل على نجاحات كثيرة، هي الفرضية الاصلية للبحث. يعتمد اطار البحث على مسألة ان الشيعة الخوجة الاثنى عشرية يمكن ان يكونوا في بعض الامور انموذجا واسوة لبقية المجتمعات الشيعية. يعد تناول كل العوامل الاصلية والفرعية المؤثرة في نجاح هذا المجتمع الشيعي الصغير في الدول المقصودة، الجانب الابداعي في هذه المقالة.

الاصطلاحات الاساسية: الخوجة، الشيعة الاثنا عشرية، الهند، شرق افريقيا.

موقعية الشيعة في التركيب السياسي الجديد في العراق

د. على آدمي / حوا ابراهيمی پور

الخلاصة

لقد كان الشيعة في العراق وطوال التاريخ في موضع ضعف لكن ومع الالتفات للتغييرات التي حصلت بعد سنة ٢٠٠٣ استطاعوا الحصول على نفوذ ملفت للنظر في تركيب الدولة في العراق واقاموا دولة شيعية. قام الشيعة ضمن اطار الاحزاب والمجاميع الاسلامية بتسخير اهدافهم وعلى الرغم من وجود اختلافات بينهم في الكثير من تفاصيل هذه الاهداف الان انهم يتحدون ويتفقون في الاصل العام المكون لهويتهم الا وهو الاسلام واقامة المجتمع الاسلامي ويسعون في ظل التعاليم الدينية لصياغة صحيحة السياسات المستقبلية لبلدهم. سعينا في هذه المقالة الى تناول دراسة المجتمع الشيعي العراقي مع التأكيد على الاسلام ودوره في اعطاء الهوية للمجموعات النشطة هناك.

الاصطلاحات الاساسية: الشيعة، البنائية، الاسلام السياسي، الهوية، حزب الدعوة، التيار الصدرى، العراق.

تأثير الجغرافيا السياسية للثورة الاسلامية في ايران

على تسييس الشيعة السعوديين

د. سيد ابراهيم قلیزاده / هادی بادینلو

الخلاصة

من الحوادث الكبيرة في النصف الثاني من القرن العشرين، وقوع الثورة الاسلامية في ايران بقيادة الامام الخميني (رحمه الله عليه) والذى اوجد تغييرات كثيرة في دول المنطقة وفي تركيب القدرة العالمية. ومن الدول التي بدا شيعتها بعد الثورة الاسلامية في ايران يبحثون عن دور اكثراً لهم في العملية السياسية لمجتمعهم هي المملكة العربية السعودية.

يسعى شيعة السعودية لزيادة قدرتهم السياسية في تركيب الحكومة هناك ومن خلال ذلك يريدون انهاء عدم المساواة سياسياً واقتصادياً واجتماعياً.

يمكن دراسة تأثير الثورة الاسلامية في ايران على شيعة السعودية في اربعة مجالات: تعرفهم على هويتهم ووعيهم، وايجاد او تقوية المنظمات الشيعية، السلوك السياسي - العاطفي للشيعة حول الثورة الاسلامية و لعبهم دوراً لهم في التركيب السياسي.

تسعى هذه المقالة وبأسلوب وصفى تحليلي وبالاستفادة من الوثائق المكتبية والمجلات وموقع الانترنت، لتبين دور الثورة الاسلامية في تسييس شيعة السعودية في المجالات المذكورة ودراسة ابعاده.

الاصطلاحات الاساسية: الجغرافيا السياسية، الجغرافيا السياسية للشيعة، الثورة الاسلامية، شيعة السعودية.

تحليل نقدي لانعكاس وفاة الامام الحسن (عليه السلام)

في اثار الباحثين الغربيين عن الاسلام

د. على محمد ولوي / زينب ميرزاei مهرآبادی

الخلاصة

المشهور ان الامام الحسن عليه السلام استشهد في اواخر شهر صفر من سنة ۴۹ او ۵۰ هجرية من قبل جعدة بنت الاشعث وبتحريک من معاوية. حكم اكثر الباحثين الغربيين عن الاسلام با ان هذه الرواية موضوعة وادعوا ان الشيعة وحسب وفي مصادرهم هم من سجلوا وفاة الامام عليه السلام بهذا الشكل. تم السعي في هذه المقالة وبوجهة نظر توصيفية لاستقصاء ادلتهم لمقارنتها بالمصادر الاسلامية لكي تتضح من خلال هذا دقة ادعائهم هذه من عدمها وبتعبير اخر تمت في هذا البحث دراسة نقاط قوة وضعف الموارد المدعاة في اثار الباحثين عن الاسلام ونقدها.

الاصطلاحات الاساسية: الامام الحسن (ع)، الباحثون الغربيون حول الاسلام، الشيعة، معاوية، جعدة.

تقييم الماهية السياسية – الفكرية لحركة شهيد فخ

مع مقارنتها بشورة كربلاء

مسلم طاهري كلکشوندی / د. محمدرضا بارانی

الخلاصة

يمكن لتحليل المواقف التي اتخذها ائمة الشيعة عليهم السلام تجاه الاداء الاجتماعي - السياسي للأشخاص والمجموعات المعاصرین لهم، ان يوفر الارضية الالازمة لرسم انموذجا واضحا ونافعا لاتباع الشيعة لهؤلاء العظماء في كل عصر. فلقد حصلت ثورات متعددة في عصر الائمة عليهم السلام ومنها ثورة شهید فخ (۱۶۹ هـ ق) وتهدف هذه المقالة لتحليل ودراسة الماهية السياسية - الفكرية لهذه الثورة. يتم في البداية تناول كيفية حصول هذه الثورة

چکیده‌ها ۲۶۵

واسبابها ثم دراسة الماهية السياسية - الفكرية لها وفي الختام سيتم الالتفات الى اختبار صحة هذا القيام من خلال معيار ثورة الامام الحسين عليه السلام في كربلاء. ان نتيجة هذا البحث هي الوصول الى وجهة نظر تقتضى وضمن التأكيد على الماهية السياسية - الفكرية لثورة فخر، اختبار صحة هذه الثورة من خلال مقارنتها بطريقة العمل الجهادية التي اتخذتها ائمة الشيعة عليهم السلام العظام في زمانهم وخاصة الامام موسى الكاظم عليه السلام والذى عاصر هذه الواقعة. ان اشتمال هذه الثورة على اوجه الشبه والاختلاف مع ثورة الامام الحسين عليه السلام باعتبارها ثورة معتبرة و شيعية اصيلة، يظهر اهمية الدراسة النقدية للماهية السياسية - الفكرية لهذه الثورة.

الاصطلاحات الاساسية: الثورة، شهيد فخر، الحسينيون، العباسيون، ثورة عاشوراء، الامام الحسين عليه السلام.

امتنان الامام على (عليه السلام)

عن قبول الخلافة اولاً وقبوله بها اخيراً

د. يد الله حاجي زاده

الخلاصة

بعد تمرد الشوريين في المدينة سنة ٣٥ هجرى والذى ادى الى قتل الخليفة الثالث عثمان واجه الامام على عليه السلام اصرارا من قبل الناس لقبول الخلافة، ومع ان الامام عليه السلام كان قبل ذلك يعترض دائما على غصب الخلافة منه لكنه امتنع من قبول الخلافة اولا ولم يكن مستعدا لان يتولى امرها لكنه اخيرا وبعد الحاجة الناس قبل هذه المسؤولية مكرها. يتم السعى في هذا البحث وبالاعتماد على كلام امير المؤمنين عليه السلام وبالاستفادة من المعطيات التاريخية، لتبيين علل امتنان الامام عن قبول الخلافة اولا وقبولها اخيرا. والذى

يبدو ان انحراف الخلافة عن مسیرها الاصلى والاوپاع المضطربة للحكومة، الغى كل امل لای اصلاح فى الامور لهذا امتنع الامام عليه السلام من قبول الخلافة، لكن تواجد الناس وتأييدهم الجاد له اتم الحجۃ عليه واجبره على قبول هذه المسؤولية.

الاصطلاحات الاساسية: الامام على(ع)، الامتناع، عنمان، الخلافة، الانحرافات، المشاكل.

التسيیع والاتهام بالزندقة

(عوامل نسبة الزندقة الى الشیعه)

د. حمیدرضا مطهری / د. محمدعلی چلونگر

الخلاصة

لقد تعرض الشیعه فى بعض الاحيان ومع وجود دفاعهم المعقول والمنتظم عن الشريعة الاسلامية والتزامهم باصولها وقيمها، للتهدید والاتهامات المتعددة من قبل المخالفین خاصة بعض اهل السنة. ومن اهم هذه التهم نسبتهم للزندقة والتى هي بمثابة وسیلة استعملها الاعداء للقضاء على الشیعه.

ان الزندقة من التیارات التي كانت في ایران قبل الاسلام واتسعت في العصر العباسی الاول وقد تم قمع الكثير من الاشخاص ومن ضمنهم الشیعه بسبب هذا الاتهام.

من اهم ادلة هذه الاتهامات ، المنافسات الطائفية وعجز المخالفین امام الشیعه. والى جانب هذا لابد من ذكر افعال واعتقادات بعض الفرق المنسوبة للشیعه كالغلاة والصوفیة والقرامطة والتي قد ووجہت بعض اعتقاداتهم بالرفض من قبل الشیعه انفسهم لكنها صارت وسیلة لتحقیح المخالفین وليس لاتهام هذه الفرق فحسب بل لاتهام كل الشیعه بالکفر والزندقة. تم السعی في هذه المقالة لدراسة وبيان دلیل هذه التهمة وللإجابة على سؤال انه لماذا ابتلى الشیعه بهذه التهمة؟

الاصطلاحات الاساسية: التسيیع، اهل السنة، الزندقة، الغلو